JAMIA HAMDARD CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
ACC No. 2833
Date 20.7.05

رساله بنام اکبر بادشاه

Acc

۲۸۳۳

اندراج

نقلست [illegible] شعر اگر اینست ؛ خواجه احرار عبید الله است منزل
[illegible] بوده اند ؛ آنکه به تبریز دید یک نظر شمس دین ؛ طعنه زند بر دو صد فخر
گر کند بر ضمیر [illegible] که از نظر شرافت در طلب که سرمایه این سعادت بی نهایت است
نمود تا نام [illegible] ایشان [illegible] شده اش ز [illegible] روی آرام ساخته چو که دوا
این درد را جز این طایفه نمی توانند کرد لاجرم احوال خود را در رساله والدیه
[illegible] ایشان نظم کرده ترجمه ساخته بدین جانب فرستاده اند بعضی از عبارت
[illegible] خود جا برای این ضعیف کمترین از خادمان این خاندان حوالت کرده است
نوشته شد که بسبب سکر خاطر شریف ایشان در زیادتی در طلب ایشان
ان شاء الله تعالی قال الله تبارک وتعالی قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی
یحببکم الله الآیه یحبهم ویحبونه چنین فرموده ؛ که انعقاد محبت در جانب
بود ؛ بونه چه اقرار است ؛ نزیر پرده [illegible] خویش را خریدار است ؛
بدان ای طالب صادق که نتیجه و ثمره طلب است حاصل نشود مگر بمتابعت آنحضرت
صلی الله علیه وسلم و متابعت او موقوف است بدانستن احکام شریعت و طریقت
و در عمل آوردن این دو مصقل آینه ظاهر و باطن مؤمن است و قوله تعالی
وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون [illegible] آنکه مراد از عبادت اینجا عبادت ظاهر
[illegible]ست چونکه آدمی مرکب است از روح انسانی و روح حیوانی ؛ باید که مراد از [illegible] معنوی [illegible]
گرویده [illegible] شغل [illegible] ؛ گردد بس میل [illegible] کم از این ؛ و زندان آدم [illegible]
[illegible] از آن ؛ و روح انسانی بواسطه صحبت [illegible] و مجاورت [illegible] کرد و احتیاج
[illegible] دوست [illegible] شدن و [illegible] از کمال قدرت [illegible] ازو بی نصیب کرد

رساله [illegible]
پادشاه

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بسیار و ثنای بی شمار مر خدای را جلت عظمته که حضرت آدم را [illegible]
برگزید کقوله تعالی ولقد کرمنا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر و دل مبارک او را مظهر جمال
و جلال خود ساخت مع جمیع اسما و صفات گردانید و بخلافت و نیابت
بجانب دنیا کقوله تعالی واذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة جان آدم
فرستاده بیرون : جمال خویش بر صحرا نهاده : و درود بی حد و تحیت
بی شمار بر محبوب ازل و ابد را که [illegible] عالم را بطفیل ذات [illegible]
جلوه کرد که لولاک لما خلقت الافلاک اول جمال و جلال [illegible]
بود در عالم عدم مع جمیع اسما و صفات در آینه دل او ظاهر [illegible]
بعضی اکابر گفته اند محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم [illegible] آینه که هیچ [illegible]
در مکمن غیب [illegible] ظاهر نشد : بقدر آینه جسم [illegible] : در [illegible]
[illegible] در [illegible] است : بعد ازان بر آل و اصحاب او که راه [illegible] راه [illegible]
[illegible] علم یقین [illegible] : [illegible] : کاه و [illegible]
[illegible] حیرت ساخت : [illegible] عمر و حیرت ساختند :
[illegible] تالیف [illegible] که حضرت سلطنت [illegible] محبوب [illegible]
مخلص و معتقد [illegible] سان بلکه محبوب قلوب [illegible] : [illegible]
ازاد [illegible] و بردن : [illegible]

اما آنچه متابعت ذوقی کرد متابعت آنحضرت صلی الله علیه و سلم کردن است که
هرچه [illegible] بعد او ست و آنحضرت نهی کرده و گفته که نکنید نکنند مثل
غیبت [illegible] و دشنام و جوارح مسلمانان و شرب خمر و زنا و غیرها و از
ما گر ذلک [illegible] و اجتناب فرموده اند بکنند مثل نماز و روزه و زکوة
و حج و غیرها از کردنیها هرچه او گفته آن کنیم همه طاعت او بجا آن کنیم همه
[illegible] او گفت عیان کردن نیست بسودی بجز زبان کردن و طریقت آنست که
هرچه خلاف طریقت آنحضرت است از وی دور جوید و باید مختصر تر است اگر محبت غیر
او در دل [illegible] و تعالی است نگذرد خواه توجه غیرها از عبادات ظاهری و باطنی
[illegible] نفی کنند و آیینه دل را از مرض بخاسازد تا القدر ترکیه و
[illegible] سلطان [illegible] ذکر جذبة من جذبات الحق توازی عمل الثقلین یک جذبه
از حق [illegible] مدد [illegible] جارت محنول کنند کشش ارجاعت لیلی است قال بعض
الکبرا الطرق الی الله بعدد انفاس الخلائق یعنی راه وصول احباب بی نهایت است
بشرف وصول او سبحانه و تعالی مشرف می شود چنانکه بعضی بطریق ذکر خفیه
یا جهر مداومت کن ذکر گو ذکر تا ترا ایمان است تا که دل ز ذکر یزدان است
و بعضی بطریق توجه و غایت آداب و شرائطان ما تخدع [illegible] دل بر
[illegible] گر نیست دلی آید [illegible] محبتی و ذوق فقه فیه و بعضی دیگر
بطریق [illegible] غایت آداب و شرائطان و بعضی دیگر بطریق رابطه و رعایت
آداب و شرائط [illegible] بکنند الطان است هر بصورت [illegible] همیشه
هر نظر [illegible] در صحبت و در غیبت ادب در صحبت آنست که

کما قال علیه السلام الصحبة مؤثر ٭ از اثر صحبت است هر صحبتی [illegible]
و گرنه کی عاصی بیند بهای نجات ٭ بقدر تعلق و توجه باینها از یکی [illegible]
آیینهٔ دل پیدا شد و غرض و مقصود حق سبحانه و تعالی از [illegible] ذکر [illegible] ذات
شریف اوست از داد و عدل و علم و حکمت [illegible] کمال [illegible]
در آیینهٔ دل آدم ظاهر سازد تا او خلیفه باشد که طبق تخلقوا [illegible] که محسن باشد
پس چاره نیست هیچکس را از عبادت که صیقل آیینه ظاهر و باطن اوست
بقدر جلای آیینهٔ دل او ظهور آن ذات شریف شود در مع جمیع [illegible]
هرچند جلا بیش ظهور بیش هرچند ظهور بیش محبت بیش هرچند قرب بیش عشق
بیش هرچند محبت بیش کمال [illegible] محبوب را نهایت نیست ٭
مرو به پایانش مرس ٭ ای محسن فردی بدرمانش مرس ٭ [illegible] علم و عمل و
طاعات و عبادات بی اخلاص و ارادت کامل مکمل نتیجه نبخشد ٭ پیر ما
لابد راه آمد ترا ٭ در همه کاری پناه آمد ترا ٭ گفت پیغمبر علی را کای علی ٭ شیر
حق پهلوانی پردلی ٭ لیک بر شیری مکن هم اعتمید ٭ رو بشی در سایهٔ نخل امید ٭
یا علی از جمله طاعات راه ٭ برگزین تو بسوی پایهٔ خاص اله ٭ هر کسی طاعتی گزیدند ٭
خویشتن را مخلص انگیختند ٭ تو برو در ظل عاقل گریز ٭ تا رهی زان دشمنان پنهان ستیز ٭
کز همه طاعات اینت بهتر است ٭ سبق یابی بر هر آن سابق که هست ٭
[illegible] طالبان را از صحبت وجوهی یکی آن طایفه علیه [illegible] شریعت
و طریقت [illegible] مدید بسطی نموده ام بحکم حدیث خیر الاعمال ادومها
تا حقیقت کمال او شناسد هرچند معاصیت [illegible] موقوف بیش هرچند [illegible]